

Content Analysis of Merchants' Endowment Deeds of Barforoush City in Qajar Period (1210-1343 AH/1795-1925)



Farshid Noroozi¹, Hamidreza Aryanfar², Abbas Abedi³

Abstract

Barforoush city was a significant place for the settlement and activities of merchants in Qajar period due to the growth of domestic and foreign trade. The merchants usually were active both in trading and doing public-benefiting affairs. Among the merchants' public-benefiting affairs was endowing properties and assets. It is assumed that examining the contents of their endowment deeds help understand about the types, uses, and features of the endowments of this group of society. It also helps understand more about the jobs, markets, caravanserais, houses, tekkeh, mosques, and neighborhoods of Barforoush in Qajar era. Using content analysis and focusing on the content of merchants' endowment deeds of Barforoush, this study tried to see such issues as the amount, the use, the diversity, and the function of their endowments. The results showed that from among the merchants' endowed properties, lands, shops, houses, and caravanserais were the most endowed ones. Regarding the use of the endowments, mourning ceremonies for the martyrdom of Imam Hussain were the most frequent usages followed by charitable and public-benefiting affairs, the daily affairs of students of religion schools. Endowing was more frequent in Naser al-Din Shah Kingdom and the following years.

Keywords: Endowment, Content Analysis, Barforoush, Merchants, Qajar Period

1. PhD in History of Islamic Iran, Payam-Noor University, Tehran, Iran. Corresponding author; farshidnoroozi20@gmail.com
2. Assistant Professor, Iranology Foundation, Tehran, Iran
3. PhD Candidate, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Tehran University, Tehran, Iran



تحلیل محتوای اسناد موقوفات تجار بارفروش در دوره قاجار (۱۳۴۳-۱۲۱۰ق)

فرشید نوروزی^۱، حمیدرضا آریان‌فر^۲، عباس عابدی^۳

چکیده

شهر بارفروش در دوره قاجار به واسطه رونق تجارت داخلی و خارجی، محل رفت و آمد، فعالیت و اسکان تجار مهمی بود که علاوه بر انجام کارهای تجاری، در امور عام‌المنفعه نیز فعالیت داشتند. وقف اموال و دارایی‌ها یکی از فعالیت‌های عام‌المنفعه این طبقه در شهر بارفروش دوره قاجار بود. بررسی مندرجات وقفنامه‌های آن‌ها به کسب اطلاعات از انواع، مصارف، ویژگی‌های موقوفات این طبقه اجتماعی و نیز دستیابی به اطلاعاتی ناب در خصوص مشاغل، بازارها، کاروان‌سراها، خانه‌ها، تکایا و مساجد و محلات شهر بارفروش در دوره قاجار، کمک خواهد کرد. این پژوهش بر آن است با روش تحلیل محتوا و از طریق مطالعه مندرجات و محتوای وقفنامه‌های تجار واقف شهر بارفروش، مسائلی همچون مصارف موقوفات تجار، میزان و تنوع موقوفات و کارکرد آن‌ها را بررسی و تبیین نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در میان اموال وقف‌شده تجار زمین، دکان، خانه و کاروان‌سرا بیشترین فراوانی را داشتند و در مورد مصارف موقوفات تجار بارفروش، تعزیه‌داری و عزاداری امام حسین (ع) در رتبه اول، امور خیریه و عام‌المنفعه و امور طلاب و مدارس علوم دینی در مراتب بعدی قرار دارند. در عصر ناصرالدین‌شاه و سال‌های بعد از آن، ایجاد موقوفات در بین تجار بارفروش رونق بیشتری داشت.

واژگان کلیدی: بارفروش (بابل)، وقف، تجار، قاجار

۱. دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ (farshidnorozi20@gmail.com)

۲. استادیار، بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران؛ (aryanfar287@gmail.com)

۳. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، ایران؛ (aab.abedi55@gmail.com)

مقدمه

وقف با انگیزه نیکوکاری دارای سابقه طولانی در تاریخ بشر است. در ایران قبل از اسلام و در دوران اسلامی تجلی روحیه احسان و نیکوکاری، نوع دوستی و خیرخواهی در قالب سنت حسنه وقف و انجام امور خیریه و عام‌المنفعه پاداش و اجر فراوان اخروی و شهرت و نام نیک و خاطره واقف را به همراه داشته است. توجه انسان به این موضوع، ریشه در میل او به ماندگاری و جاودانگی دارد، چراکه انسان با صرف بخشی از دارایی‌اش در امور عام‌المنفعه، نامش را جاودانه می‌سازد. در ایران وقف به عنوان بارزترین مصداق احسان، تعاون و عمل صالح ماندگار، منشأ خدمات علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری در طی دوران اسلامی، مورد اقبال بوده و هست. این سنت دیرپا در ایران دوره قاجار و پیش از قاجار رواج داشت و رویدادها و تحولات سیاسی و نظامی این دوره نیز نتوانست توجه مردم را از این امر خیرخواهانه باز دارد. در دوره قاجار، تجار و اصناف از گروه‌های مهم و ذی نفوذ در جامعه دوره قاجار بودند که به موضوع وقف نیز توجه زیادی داشتند و بخش زیادی از اموالشان را وقف امور مذهبی و عام‌المنفعه کردند. در این مقاله، وقف در میان تجار شهر بارفروش (بابل) ایالت مازندران در زمان حکمرانی قاجارها مورد بررسی قرار می‌گیرد. با بررسی اموال وقف شده و مصارف آن با محوریت اسناد موقوفات اداره اوقاف و امور خیریه بابل، سعی می‌شود تحلیلی در این زمینه ارائه گردد. درواقع، با بررسی اسناد موقوفاتی که توسط تجار و اصناف دوره قاجار در بارفروش ثبت شده است، هم به آگاهی بیشتری در مورد مصارف و کارکردها و ویژگی‌های موقوفات این طبقه اجتماعی دست پیدا خواهیم کرد و هم به اطلاعاتی ناب در خصوص مشاغل و بازارها و کاروان‌سراها، خانه‌ها، تکایا و مساجد و محلات شهر بارفروش در این دوره تاریخی خواهیم رسید.

پیشینه پژوهش

تاکنون موضوع تحلیل محتوای اسناد موقوفات تجار شهر بارفروش در دوره قاجار مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است و مقاله حاضر نخستین تحقیقی است که به این موضوع می‌پردازد و از این جهت پژوهش جدیدی محسوب می‌شود.

روش پژوهش

گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر بر اساس بررسی اسنادی است. این پژوهش بر آن است با روش تحلیل محتوا و از طریق مطالعه مندرجات و محتوای اسناد وقف‌نامه‌های تجار واقف شهر بارفروش در دوره قاجار، مسائلی همچون مصارف موقوفات تجار، میزان و تنوع موقوفات و کارکرد آن‌ها را در این مقطع تاریخی بررسی و تبیین نماید.

بارفروش در دوره قاجار

بارفروش در دوره قاجاریه رونق تجاری داشته و نه تنها مرکز تجاری ایالت، بلکه یکی از مهم‌ترین شهرهای تجارتی کشور محسوب می‌شد که از طریق بندر مشهد سر با روسیه به‌ویژه بندر حاجی طرخان تجارت می‌نمود. نام قدیم این شهر در اوایل دوران اسلامی مامطیر بود. در گزارش سید ظهیرالدین مرعشی درباره وقایع ۶۴۸ ق آمده است که این شهر «در آن سال مامطیر نام داشته و اکنون که سال ۸۸۱ ق است به بارفروش ده معروف می‌باشد». (مرعشی، ۱۳۴۵: ۳) نخستین پادشاه قاجاری به دلیل اینکه مردم شهر هوادار خاندان زندیه بودند، چندان توجهی به این شهر نداشته است، اما در زمان فتحعلی‌شاه این شهر مورد توجه قرار گرفته و از لحاظ تجاری رونق یافت، به‌طوری‌که میرزا شفیع خان صدراعظم، مدرسه، مسجد و مدرسه آصفیه (صدر) را در این شهر ساخت و وقف نمود و کاروانسرای هم بنا کرد. (اداره اوقاف و امور خیریه بابل: ۴/ص).

طی قرن سیزده هجری، بارفروش قطب تجاری ایالت مازندران بود، چنانکه کالاهای روسی به وسیله کشتی به بندر مشهد سر حمل و از آنجا به بارفروش آورده می‌شد. یکی از دلایل پیشرفت تجاری بارفروش، توجه روس‌ها و حکومت مرکزی ایران در دوره جنگ‌های ایران و روس (۱۲۲۸-۱۲۱۴ ق) به این شهر بود. با بروز این جنگ موقعیت تجاری برای بارفروش رشد کرد و سبب گسترش تجارت ایران و روسیه در این شهر شد. بارفروش نزدیک‌ترین راه ساحلی به مرکز (تهران) و از میدان جنگ نیز بسیار دور بود و دولت نیز فعالیت تجاری در آنجا را تشویق می‌کرد. به نظر می‌رسد وضعیت شهر نیز مورد رضایت تجار روسیه بود، چنانکه در ۱۲۲۷ ق از روسیه کالاهایی مانند پارچه، کاغذ، نخ، آهن، استیل، تفنگ، پشم، چوب و چرم روسی از طریق بارفروش به ایران صادر می‌شد. بسته شدن پیمان گلستان (۱۲۲۸ ق) باعث شد تا موانع حمل و نقل از شبکه راه‌های آذربایجان و رشت برداشته شده و تجارت از طریق رشت و بندر انزلی افزایش یابد. از این زمان میان بارفروش و رشت برای تسلط بر تجارت دریای مازندران رقابت ایجاد شد. (Kazembeyki, 2003: 25) این موضوع سبب شد که بارفروش وضعیت تجاری گذشته را از دست بدهد، چراکه در این زمان تجارت به بازارهای رشت منتقل شده و ابریشم گیلان بازار بهتری برای روسیه ایجاد کرد. از این رو، کشتی‌های روسی از مشهد سر به بندر انزلی می‌رفتند. همچنین تجارت از راه تفلیس، استانبول و طراز بون به تبریز سبب کاهش نقش بارفروش شد. علاوه بر این، به دلیل شیوع بیماری‌های وبا و طاعون جمعیت شهر کاهش یافته و بسیاری از دکان‌ها بسته گردید و تجارت شهر از تمام این تغییرات آسیب دید. (فریزر، ۱۳۶۴: ۵۴۳)

تجار در دوره قاجار

در دوره قاجار تغییرات اجتماعی و اقتصادی که در نتیجه نفوذ مناسبات جهانی سرمایه‌داری در ایران روی می‌داد در بروز دگرگونی‌های معنی‌دار در ترکیب طبقات اجتماعی و به‌ویژه گروه تجار مؤثر واقع شد. در این دوره، تجار بزرگ در رأس سلسله‌مراتب اجتماعی بازار قرار داشتند. (اشرف، ۱۳۵۹: ۵۹) تجار همه به عمده‌فروشی می‌پرداخته‌اند (فلور، ۱۳۶۵: ۱۵۲)، اما معمولاً در رشته خاصی از تجارت و یا در واردات و صادرات کالاهای

خاصی تخصص نداشتند و در صورت لزوم به تجارت و مبادله کالاهای گوناگون و نیز به صرافی می پرداختند. (دوگوبینو ۱۳۶۰: ۱۳۳؛ اجلالی، ۱۳۷۳: ۴۹) فعالیت عمده تجار، گردآوری و صدور مواد خام مورد نیاز بازارهای خارجی در رأس آن تریاک، پنبه، ابریشم، خشکبار و مواد غذایی و وارد کردن کالاهای صنعتی به خصوص قماش منچستر و قند و شکر و چای بود. تجار بزرگ و متوسط دوره قاجاریه تمایل به سرمایه گذاری در املاک مزروعی داشتند. (اجلالی، ۱۳۷۳: ۴۹) تجار معمولاً بسیار افراد مذهبی بودند. بسیاری از آنان به زیارت مکه رفته بودند و ملقب به حاجی بودند، به طوری که از ۲۵ تاجر معروف و سرشناس اصفهان به جز چهار نفر بقیه ملقب به حاجی بودند. (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۷۷) تجار بزرگ از زمان های قدیم در تدارک تأسیسات عمومی و عام المنفعه مشارکت می نمودند. آمار اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری شواهدی از مشارکت تجار در ساختن راه ها، پل ها، کاروانسراها، قنات ها، مدرسه ها و دارالایتم ها و مسجدها به دست می دهند. (اشرف، ۱۳۵۹: ۲۸)

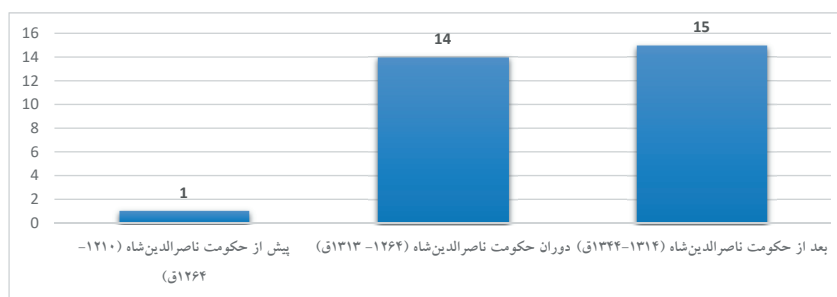
وضعیت اوقاف در دوره قاجار

اوقاف در دوره قاجار را می توان از حیث چگونگی اداره، در سه مقطع زمانی تقسیم و مورد بررسی قرار داد: مقطع زمانی اول از ۱۲۱۰ ق تا ۱۲۷۱ ق را در برمی گیرد، ثبت و اداره موقوفات و تولیت آن ها، بیشتر تحت نظر و نفوذ روحانیون و مجتهدان انجام می شد. اگر ملک وقفی در محل زندگی یک مجتهد یا روحانی برجسته وجود داشت، معمولاً برای اداره موقوفه، به نظر او توجه می شد. علاوه بر این ها، روحانیون و مجتهدان برجسته با مهر کردن ذیل اسناد موقوفه، صحت و اصالت آن ها را تأیید می کردند (ملکم، بی تا: ۱۶۶؛ الگار، ۱۳۵۹: ۲۱). مقطع دوم، سال های ۱۲۷۱ ق تا پیش از تصویب قانون اوقاف و معارف کشور (۱۳۲۸ ق) را در برمی گیرد. در این دوره که مقارن با حکومت ناصرالدین شاه و تلاش برای تغییر و تحول در ساختار اداری کشور بود، سعی شد مدیریت کلی امور موقوفات به وزارتخانه ای واگذار شود که عناوینی چون «وزارت معارف و اوقاف»، «وزارت وظایف و اوقاف»، «وزارت فواید عامه»، «وزارت معارف، اوقاف و پست» نام گذاری شده بود. (مستوفی، ۱۳۸۴: ۸۹-۸۸، خورموجی، ۱۳۶۳: ۲۴۳) در این راستا، برخی امور موقوفات در اختیار متصدیان این وزارتخانه ها قرار گرفت که به تدوین برخی ضوابط و صدور فرمان هایی برای ساماندهی موضوعات مرتبط با اوقاف نیز می پرداختند. (آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۷۶) با این وجود، از میزان نقش نظارتی روحانیون بر موقوفات کاسته نشد، چراکه بر اساس همان ضوابطی که از سوی وزارتخانه های متولی امر موقوفات صادر شده بود، صورت حساب های دخل و خرج موقوفات می بایست پس از تأیید مجتهدین، برای وزارت وظایف و اوقاف ارسال شود. (لمبتون، ۱۳۸۸: ۹۴) مقطع سوم به سال های پس از برقراری حکومت مشروطیت (۱۳۲۴ ق) بازمی گردد که مجلس شورای ملی با تصویب قانون «وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه» در ۱۳۲۸ ق، قانونمند کردن اداره وقف و استفاده از عواید موقوفات برای توسعه معارف کشور را مدنظر قرار داد. (ریاحی سامانی، ۱۳۷۸: ۳۴)

بررسی زمانی ثبت اسناد موقوفات تجار بارفروش

بررسی تاریخی ثبت ۳۰ موقوفه متعلق به تجار بارفروش در دوره قاجاریه نشان می‌دهد که تنها ۱ وقف (۳٪) مربوط به پیش از دوره ناصرالدین شاه است و تاریخ ثبت ۲۹ موقوفه دیگر مربوط به دوره حکومت ناصرالدین شاه و دوران بعد از حکومت ناصرالدین شاه است که به ترتیب (۱۴ موقوفه: ۴۷٪) و (۱۵ موقوفه: ۵۰٪) را شامل می‌شود. نتایج آماری فوق، فرآیند توسعه و رشد موقوفات در عصر ناصری و بعد از آن را نشان می‌دهد که آن هم به دلیل شکل‌گیری ساختار اداری نظارت بر موقوفات درون دیوانسالاری دوره ناصرالدین شاه و نیز فراهم شدن امنیت و رونق نسبی وضع اقتصادی ایران در این عصر بود. (نمودار ۱)

نمودار ۱: دوره‌بندی تعداد موقوفات تجار بارفروش در دوره قاجار



ساختار و سبک نگارش اسناد وقف نامه‌ها

ساختار وقف نامه‌های دوره قاجار شامل: ۱. بسمله، ۲. دیباچه، ۳. مشخصات کامل واقف، ۴. شرط تحقق وقف (قصد قربت)، ۵. اظهار صیغه، ۶. کلی‌گویی جهت (مصرف)، ۷. مختصات موقوفه (رقبات) و حدود اربعه آن، ۸. مخارج (وظایف متولی)، ۹. متولی فعلی و سیستم انتخاب متولیان بعدی، ۱۰. متولی در صورت انقراض نسل، ۱۱. الفاظ تشریفاتی دال بر وقوع عقد و قبض و قبول متولی، ۱۲. خاتمه و ۱۳. تاریخ تحریر است. (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۳۹) سبک نگارش اسناد موقوفات دوره قاجار با «تحمیدیه» آغاز می‌شود که حاوی جملاتی در ناپایداری دنیا و فناپذیری انسان است. این جملات، دربردارنده ابیاتی فارسی و عربی و حاوی تلمیحاتی به آیات و احادیث است. بسته به قلم نگارنده وقف نامه، این قسمت مختصر یا مطول می‌باشد. پس از تحمیدیه، فرد واقف و موقوفه معرفی می‌شود. همچنین، محل موقوفه به دقت معین و حدود آن مشخص می‌گردد. در این اسناد، موارد مصرف درآمد موقوفه و شرایطی که واقف در نظر گرفته، دقیقاً قید می‌گردد. پس از مشخص کردن متولی و در مواردی ناظر موقوفه، عباراتی در لعن و نفرین کسی که برخلاف شرایط تعیین شده در وقف نامه عمل کند، درج می‌شود. معمولاً در آخر وقف نامه، آیه شریفه «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأَنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ» تحریر می‌شد تا کسی به خود اجازه ندهد در وقف نامه، رقبات و مصارف مقرر آن تصرف نماید. همچنین در

۱. سوره بقره: آیه ۱۸۱.

اسناد وقف‌نامه، عباراتی آورده می‌شد مبنی بر این‌که واقف از مالکیت موقوفه دست کشیده و آن را به تصرف وقف داده است. در حاشیه سند وقف‌نامه، اثر انگشت یا مهر برخی از روحانیون و شهود دیگر زده می‌شد. مطابق مندرجات این اسناد، میزانی از درآمد حاصل از موقوفه قبل از آن‌که صرف مقصود تعیین شده از سوی واقف شود، برای مصارف دیگری همچون حق التولیه، حق النظاره و حفظ عین موقوفه (تأمین مخارج ضروری بنا و تعمیرات لازم آن)، کسر می‌گردید.



تصویر ۱: موقوفه مشهدی محمدباقر تاجر بارفروش (اداره اوقاف و امور خیریه بابل: ۱۳۰۰/م)

اهمیت و ارزش تاریخی مندرجات اسناد موقوفات تجار

از توضیحات مرتبط با رقبات موقوفات تجار واقف بارفروش که در اسناد وقف‌نامه‌ها درج شده، می‌توان به اطلاعات ارزنده‌ای چون نام‌های تاریخی محلات، نام مساجد، مدارس، بازارها، روستاها، کاروان‌سراها و انواع مشاغل شهر بارفروش دست یافت. به عنوان نمونه، در ضمن توضیح نوع موقوفه سند وقف‌نامه آقا میرزا محمد تاجر، آمده است:

«یک باب دکان مسگری واقعه در راسته بازار با جمیع توابع و لواحق که محدود ذیل است به ضمیمه نیم باب دکان سمساری واقعه در راسته بازار با جمیع توابع و لواحق که آن نیز محدود است شرقیاً راسته بازار غربیاً مسجد گلشن جنوبیاً شمالیاً حدود دکان سمساری شرقیاً راسته بازار غربیاً شارع عام متصل به مدرسه حاجی میرزا بابا

جنوبیاً دکان وقفی شمالیاً دکان نصیرالملک به حدود فوق و به ضمیمه نصف مشاع یک قطعه زمین واقع در محله نقیب کلا که مشترک است میان واقف مزبور آقا محمد حداد با جمیع توابع و لواحق آن دو چل چهار من و حدود آن شرقیاً باغچه حاجی میرزا محمد مرحوم و خان جان غربیاً خانه مشهدی محمد حسین خباز جنوباً پشت سرای آقای غلامعلی دلال و آقا محمد چلنگر شمالیاً خانه آقا محمد اسماعیل و مشهدی غلامعلی». (اداره اوقاف و امور خیریه بابل: ۸۱۲/م) از خلال توضیح سند فوق، به این اطلاعات دست می‌یابیم که در شهر بارفروش دوره قاجار، محله‌ای به نام نقیب کلا، بازاری به نام راسته بازار، مسجدی به نام گلشن و مدرسه‌ای به نام حاجی میرزا بابا و مشاغلی چون مسگری، سمساری، خبازی و دلالی وجود داشته که اکنون نیز وجود دارد. در نمونه‌ای دیگر، در توضیحات متن سند وقفی به نام حاجی محمد اسماعیل تاجر، به کاروان‌سرای به نام محمدهادی، محله میانکته^۲، بلوکی به نام تالارپی، سرایی به نام حضرتکه دارای دالان و تیمچه و اتاق‌ها از تحتانی و فوقانی و قپان و سنگ‌های آهنی و چاه آب است، بازاری به نام بزازه‌ها، بازاری به نام کفش دوزها، بازاری به نام مسگرها، بازارچه‌ای به نام حصیرفروشان، محله‌ای به نام حصیر فروشان^۳، مسجدی به نام مسجد چال^۴، محله‌ای به نام مرادییک^۵، محله‌ای به نام خشت‌سر^۶، حمامی به نام میرزا کوچک، محله‌ای به نام چهارشنبه پیش^۷ و اسامی افراد و اشخاص از صنف تجار در شهر بارفروش آن روزگار اشاره شده است؛ محلاتی و اماکنی که تا به امروز بسیاری از آنان همچنان پابرجا هستند. (اداره اوقاف و امور خیریه بابل: ۳۵/م)

در توضیحات متن سند وقفی، حاج ملا عبدالله تاجر به اماکنی از شهر بارفروش دوره قاجار اشاره می‌کند که عبارت‌اند از کاروان‌سرای به نام مرحوم محمد مهدی، موقوفه‌ای به نام موقوفه مسجد جامع بارفروش، بازاری به نام بزازه‌ها، بازاری به نام کفش دوزها، محله‌ای به نام چهارسوق، مدرسی به نام صدر، روحی و گلشن، بازاری به نام صرافان، سرایی به نام شاه، بازاری به نام آهنگران، روستایی به نام کمانگرکلا، روستایی به نام مازو کله بن، پلی به نام شاه، محله‌ای به نام اوجابن، امامزاده‌ای به نام سلطان محمد طاهر و حمامی به نام آقا حسین. او همچنین به ویژگی‌های ظاهری یکی از خانه‌ها و نیز وسائل آشپزی مورد استفاده در آن زمان نیز اشاره دارد: خانه‌ای که سفال‌پوش بوده و دارای ایوان و دو راهرو و دو اتاق بود، مسین آلاتی چون دیگ نه من پز دسته‌دار و کردار به انضمام سرپوش در دیگ نه من پز دسته‌دار و زنجیردار به انضمام سرپوش، دو لگن برنج‌شوری بزرگ دردار، دیگ چهارمن زوله‌دار با سرپوش، گلاب‌گیر اعلا مجموعه ساخت مازندران، دیگ شش من پز دسته‌دار با سرپوش، آفتابه‌لگن ساخت کاشان و اسباب و لوازمی چون سماور بزرگ، آبکش، قدح، قلیان نقره، چلچراغ دوازده شاخه، چراغ آهنی، آفتابه و لگن. حاج ملا عبدالله تاجر علاوه بر این، اسامی تعدادی از تجار شهر بارفروش در دوره قاجار

۱. این محله اکنون با همین نام در مرکز شهر بابل و در اطراف امامزاده قاسم (ع) این شهر قرار دارد.
۲. این محله اکنون نیز با همین نام در مرکز شهر بابل قرار دارد.
۳. این محله اکنون نیز با همین نام در مرکز شهر بابل و در حوالی پنجشنبه بازار این شهر واقع است.
۴. این مسجد اکنون با نام مسجد ولایت و روبروی مسجد چهارسوق در مرکز شهر بابل قرار دارد.
۵. این محله اکنون نیز با همین نام در مرکز شهر بابل قرار دارد.
۶. این محله با همین نام در حوالی گله محله و ضرابوری تا ورزشگاه آزادی فعلی شهر بابل است.
۷. این محله اکنون نیز با همین نام در مرکز شهر بابل قرار دارد.

را نیز برمی شمارد. (همان: ۲۹/ع)

حاج سید حسین تاجر زرگر محله در وقف نامه رمضان ۱۳۰۳ ق در معرفی رقبات وقفنامه اش از تعداد زیادی از کاروانسراهای موجود در بارفروش و تعدادی از محلات، بازارها، حمام ها و مساجد یاد می کند که عبارت اند از: «صف کاروانسرای نوساخته واقف که واقع است در رودگر محله و از نهایت وضوح مستغنی از تحدید و توصیف است و نصف باربند و طویله سمت جنوبی همین کاروانسرای که محدود است باین حدود غربیا مشهدی محمدجان بقال و محمود شرقیا کاروانسرای مرحوم اسماعیل یرقه جنوبا کوچه خاص شمالیا کالجنوبی و دو سهم ونیم از پانزده سهم سه دانگ از شش دانگ کاروانسرای حاج ملاعلی و سه دانگ حمام مردانه رودگر محله که از بنای جدید واقف موفق و سه دانگ از شش دانگ حمام بزرگ رودگر محله و یکباب دکان واقعه در کلاهدوز بازار که محدود است باین حدود شرقیا "راسته بازار غربیا کاروانسرای مرحوم ملک جنوبا شمالیا" و یکباب دکان واقعه در پشت شهدا باین حدود شرقیا راسته بازار "غربیا کوچه عام" جنوبیا دکاکین متصل به مسجد میرزا ابراهیم». (همان: ۲۱۰/ح)

انگیزه تجار واقف

تجار واقف بارفروش با انگیزه های دینی و خیرخواهانه و کسب رضای خداوند موقوفاتی را برجای گذاشته اند که در متن وقف نامه ها به صراحت به این موضوعات اشاره شده است: «الله الواقف علی الضمائر والحمد لله علی السرائر والصلوة والسلام علی خیر خلقه و اشرف من الاوائل والاواخر محمد المبعوث علی العبید والجرائر واله ذوی المفایر و بعد باعث بر تحریر و تسطیر آن است که چون از غوص در نصوص و محض در قصص بلکه به حس بصر و مشاهده نظر آحاد و افراد بشر را از مذاق موت قسمتی مقرر است به مصداق آیه کریمه کل نفس ذائقة الموت و از برای مهاجرت روح از خانه بدن به مصداق آیه شریفه اذا جا اجلهم لا یتستخرون ساعه و لا یتقدمون وقتی معین و مقدر است که مسافرت از دارفانی نموده روی به وطن اصلی که خانه جاویدانی است آورد پس بر هشیاران با ادراک و شعور واجب و لازم است قبل از آنکه گرگ اجل جامه زندگانی بدرد زادی از خیرات و برای این سفر پرخطر بیندوزد و چراغی از منبرات برای ظلمت آباد گور بیفروزد. از جمله اموری که سبب نجات از مهالک عظیمه عالم برزخ و باعث بعد از عذاب خداوند قهار علی الاطلاق و مایه دوری از گرفتاری یوم نشور خاصه از آتش دوزخ تواند بود اقدام بر خیرات و صدقات جاریات است و ماتقدموا لانفسکم من خیر تجدوه بلکه صدقه جاریه موجب بقای انسان در صورت فقدان رسم خواهد بود کما فی الحدیث اذا مات ابن ادم انقطع عمله الا من ثلاث ولد صالح یدعوله و علم ینتفع به و صدقه جاریه». (همان: ۵۹/م).

در این دوره، علاوه بر انگیزه دینی شخصی، انگیزه های مذهبی با هدف حفظ و توسعه مفاهیم مذهب شیعه به ویژه حفظ و بزرگداشت یاد امام سوم شیعیان، وجه پررنگ نیت و انگیزه تجار واقف بارفروش بود، به طوری که در ۲۹ وقف نامه از ۳۰ وقف نامه تجار بارفروش به موضوع برگزاری عزاداری، تعزیه داری و اطعام دهی برای امام حسین (ع) اشاره شده است: «الله الواقف علی الضمائر والحمد لله المطلاع علی السرائر والصلوة والسلام علی

خیر خلقه محمد صلی الله علیه و آله اشرف الاولائل والاواخر بر ضمیر منیر صافدلان نیک طینت و خاطر خطیر صاحبان هوش و عارفان با بصیرت پوشیده نماناد امری که سبب نجات از عظیمه عالم برزخ و باعث بعد از عذاب قهار علی الاطلاق و مایه دوری از گرفتاری یوم نشور به تخصیص از آتش دوزخ تواند بود جز اقدام بر خیرات و صدقات جاریات و اعمال صالحه نخواهد بود خصوصاً توسل متوجه به همت علیا و متوسل بوساده و رضا واقف احدیت و عالم اسرار صمدیت سید اصفیاء و عماد اتقیا شهید خنجر جفا مایه شفاعت عاصیان امت و شافع تهی دستان در روز قیامت شمس المشرقین حضرت ابی عبدالله الحسین صلوات الله و آله». (همان: ۹/ع)

در این اسناد وقفی درصد زیادی از اموال برجای مانده از تجار بارفروش به تعزیه داری حضرت سیدالشهدا (ع)، در جهت تلاش واقفان برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره امام سوم شیعیان اختصاص یافته است. افزون بر این، اهتمام به این قبیل امور تا حدی متأثر از فضای مذهبی زمانه و نیز سیاست و عملکرد حکومت وقت و عوامل حکومتی در ایالات هم است. اگرچه ارادت به حضرت سیدالشهدا (ع) در ایران، از زمان حکومت صفویان گسترش یافته بود، اما این امر در دوره قاجار، از شدت و حدت بیشتری برخوردار گردید، حتی برخی شاهان این دوره، شخصاً بانی و مشوق برگزاری مراسم مربوط به تعزیه داری آن امام همام و یارانش بودند و مکان هایی را نیز برای این منظور احداث کردند. (فلاندن، ۱۳۲۴: ۱۱۸؛ دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۵۷)

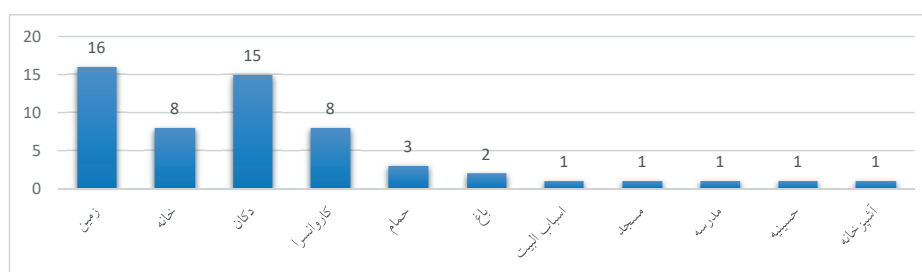
بافت سنتی جامعه ایران در دوره قاجار به عنوان مانعی در راه تحول در مصارف موقوفات تجار بارفروش عمل می کرد، درحالی که موج نوگرایی و ورود افکار جدید و ایجاد نظام مشروطیت، نتوانست مصارف وقف تجار را متفاوت از گذشته نماید. از این رو، آنان کمتر به امور فرهنگی و آموزشی که با تحولات دنیای آن روز هماهنگی داشت، توجه داشتند و به جای آن، مصارف موقوفاتشان را به برگزاری مجالس روضه خوانی و تعزیه داری اختصاص دادند. انتظار این بود که تجار به واسطه نوع شغل و کارشان و ارتباط با تجار دیگر کشورها به ویژه منطقه آسیای مرکزی، قفقاز تحت حاکمیت روسیه تزاری و عثمانی و آشنایی با تحولات فکری و اجتماعی دیگر کشورها، مصارف موقوفاتشان متفاوت از مصارف سایر طبقات اجتماعی باشد، اما بافت سنتی شهر بارفروش در آن روزگار، تجار این شهر را واداشت تا بر اساس سنت ها و آداب و رسوم رایج عمل نمایند و فراتر از آن فضای غالب اجتماعی نروند.

بعد از انگیزه دینی به عنوان نیت اول و انگیزه مذهبی به عنوان نیت دوم، نیت خیریه و پرداختن به امور عام المنفعه در مرتبه سوم قرار دارد که از نیت خیریه و عام المنفعه ای که واقفان برای موقوفاتشان در نظر گرفته اند، قابل استنباط است. از ۳۰ موقوفه تجار بارفروش، در ۱۴ مورد صراحتاً به مصارف خیرات و مبرات و امور عام المنفعه اشاره شده است. درواقع، بسیاری از واقفان اعم از زن و مرد هدفی جز حس خیرخواهی نداشته اند. علاوه بر این انگیزه ها، احتمالاً تعدادی از تجار واقف برای وقفشان انگیزه شخصی نیز داشتند. مواردی چون ترس از مصادره اموالشان توسط حکومت، ایجاد درآمد پایدار برای فرزندانشان، جلوگیری از فروش یا تقسیم اموال توسط بازماندگان و شاید هم کسب مقبولیت و منزلت اجتماعی باعث وقف اموال توسط آنان شده است.

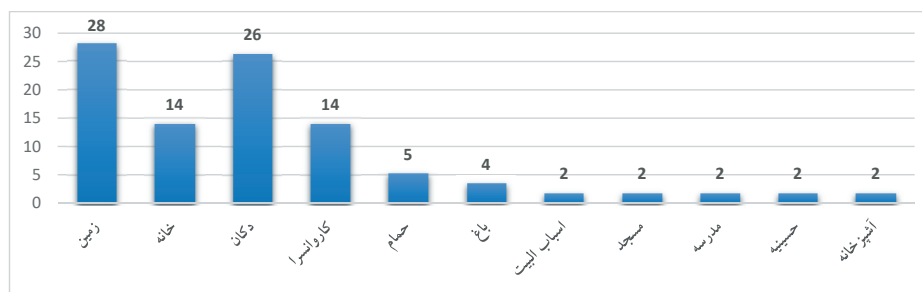
میزان و تنوع موقوفات

در ۳۰ سند به دست آمده از موقوفات تجار بارفروش در دوره قاجار، ۵۷ رقبه ثبت شده است. علت این آمار و ارقام متفاوت این است که برخی از واقفان، اموال و دارایی متنوع و متعددی اعم از زمین، دکان، عمارت مسکونی و غیره را در یک وقف نامه، وقف می کردند. به همین دلیل، تعداد موقوفات و رقبه ها معمولاً بیشتر از تعداد واقفان است. از مجموع ۳۰ مورد وقفی، ۱۶ مورد زمین کشاورزی، ۱۵ مورد دکان، ۸ باب خانه، ۸ کاروانسرا، ۳ حمام، ۲ قطعه باغ، ۱ مسجد، ۱ مدرسه، ۱ حسینیه، ۱ آشپزخانه و ۱ مورد اسباب البیت بود که جزئیات آن در نمودار ۲ و ۳ نشان داده شده است. اختصاص درصدهای بالای موقوفات تجار بارفروش به زمین، دکان و کاروانسرا گویای سهم بالای این موارد در اقتصاد و دارایی مردمان آن روزگار شهر بوده است.

نمودار ۲: تعداد نوع موقوفات تجار بارفروش در دوره قاجار



نمودار ۳: درصد نوع موقوفات تجار بارفروش در دوره قاجار



وقف مجموعه وسایل تزئینی، وسایل خانه و وسایل آشپزی نیز یکی از مواردی است که در بین تجار واقف بارفروش دیده می شود. آنان این وسایل را برای رونق بیشتر مراسم عزاداری وقف کرده اند. در بررسی موقوفات تجار بارفروش ۲ مورد از وقف مجموعه وسایل دیده می شود که متعلق به آقا میرزا محمد تاجر و حاج ملا عبدالله تاجر است. در وقف نامه آقا میرزا محمد تاجر، تعداد و انواع وسایلی درج گردیده که توسط ایشان وقف شده و عبارت اند از: «یک عدد دیگ شکرپزی را برجهت تعزیه آن جناب که منافع آن بعد از وضع تعمیرات لازمه صرف تعزیه آن جناب شود و همچنین وقف مؤید و حبس که دو عدد قلیان شیشه و یک عدد قلیان و سه عدد مجموعه نقره نما و دو عدد آتش منقل و دو عدد دیگ طعام پزی که یک عدد در رطل پز و یک عدد پنج من پز

و پانزده مجموعه ظروف از چینی و حاجی طرخانی و دو زوج لاله و یک زوج مردنگی و یکدست فرش ایوان و یکدست سفره قلمکار و یک تخته سفره عریض و یکدست قهوه‌پزی و قهوه‌ریز و قهوه‌خوری و یک عدد سماور بزرگ که وزنش یک پوپ و پنج فوند می‌باشد و دو عدد قلیان مرصع و همچنین وقف نمود یکدست آفتابه و لگن را و دو عدد آبگردان مسی و دو عدد آبکش». (اداره اوقاف و امور خیریه بابل: ۸۱۲/م)

در وقف‌نامه حاج ملا عبدالله تاجر، تعداد و انواع وسایلی درج شده که توسط ایشان وقف شده که عبارت‌اند از: «مس‌آلات تفصیل مسین‌آلات در فراز ذیل است. دیگ نه من پز دسته‌دار به انضمام سرپوش در دیگ پز نه من پز دسته‌دار و زنجیردار به انضمام سرپوش، [...] پز دسته و زنجیردار به انضمام سرپوش دو در برنج‌شوری بزرگ دردار، لگن برنج‌شوری بزرگ، دیگ چهار من زوله‌دار با سرپوش گلاب‌گیر اعلا مجموعه ساخت مازندران و ساخت کاشان، دیگ شش من پز دسته‌دار با سرپوش آفتابه‌لگن ساخت کاشان، سماور بزرگ دو عدد دیگ شکرپزی دوتکه صرف تعزیه شود آبکش، قدح بزرگ، سرقلیان نقره کوچک، چلچراغ دوازده شاخه، آتش منقل مفرغ ۶ عدد، قالی سرانداز کناره‌کش ۳ تخته، سنج چراغ آهنی ۶ عدد، طابه مسی بزرگ یک عدد». (همان: ۲۹/ع)

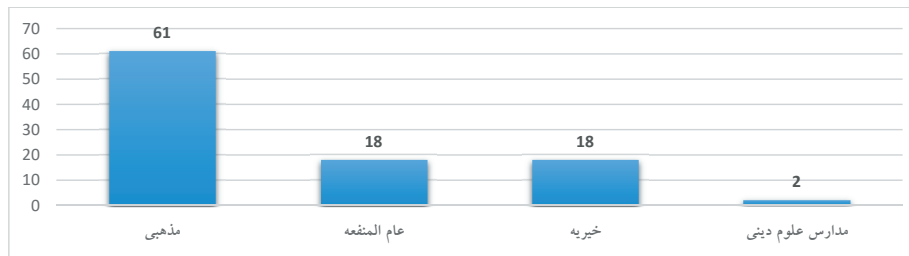
از آنجایی که معمولاً در مراسمی که برای تعزیه‌داری امام حسین (ع) در دوره قاجار برپا می‌شد، پس از پایان عزاداری و روضه‌خوانی از عزاداران با قهوه، چای، قند، تنباکو، قلیان و اطعام پذیرایی می‌شد، بنابراین تهیه لوازم موردنیاز برای تهیه و تدارک این نوع پذیرایی‌ها جزو موارد ضروری بود که واقفان به وقف آن می‌پرداختند. از این رو، تجار بافروش که از تمکن مالی برخوردار بودند نسبت به تهیه و وقف اسباب و لوازم آشپزخانه اقدام کردند. به عنوان نمونه، حاج حسن تاجر در وقف‌نامه‌اش بیان می‌کند که در مراسم عزاداری امام حسین (ع) ابتدا روضه‌خوانی صورت گرفته و سپس متولی از عزاداران با قند، چای، قلیان و اطعام پذیرایی نماید. (همان: ۱۳۳/ح)

مصارف و کارکردهای موقوفات

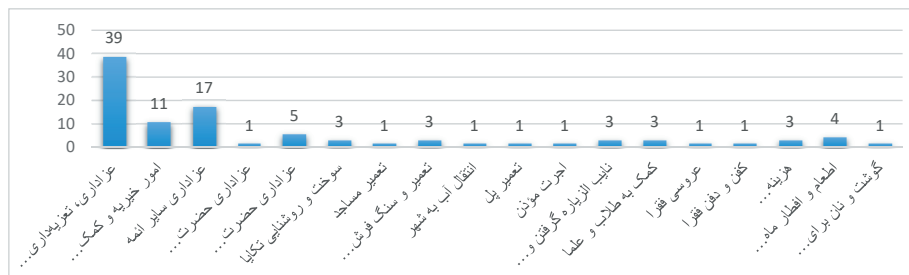
به‌طورکلی موقوفات تجار بافروش ۲۷ موقوفه یا ۶۱ درصد نیات به امور مذهبی، ۸ موقوفه یا ۱۸ درصد نیات به امور عام‌المنفعه و ۸ موقوفه یا ۱۸ درصد نیات به امور خیریه و ۱ موقوفه یا ۲ درصد به مدارس علوم دینی اختصاص دارد. در بحث مصارف نیز، معمولاً برای یک موقوفه، مصارف و کارکردهای متعددی مانند تعزیه و عزاداری امام حسین، خیرات و مبرات، هزینه‌های مسجد (خادم، مکبر، موزن و نظافت مسجد) و هزینه‌های طلاب و مدرسان مدرسه ذکر شده است. (همان: ۵۹/م)

بنابراین، به‌این ترتیب، بعضی از موقوفه‌ها برای مصرفی معین و بعضی دیگر، برای اجرای چند مصرف وقف شده‌اند. بنابراین برای ۳۰ موقوفه، دو تا سه برابر آن، موارد مصرفی در نمودار شماره ۳ نشان داده شده است. به‌عنوان نمونه، حاج ملا عبدالله تاجر موارد مصرفی؛ چون عزاداری حضرت خامس آل عبا، نان و گوشت به فقرا و مساکین و بیوه‌زنان و یتیم‌داران و سالمندان و پرداخت مبلغ یک تومان بابت سوخت تکایای بافروش در ایام محرم و تلاوت در ماه مبارک رمضان و تلاوت بر سر قبر در نجف یا کربلا را برای موقوفه خود در نظر گرفته است. برای تحلیل بهتر، هر مورد مصرف، یک مورد جداگانه در نظر گرفته شد.

نمودار ۴: درصد مصارف کلی موقوفات تجار بارفروش در دوره قاجار



نمودار ۵: درصد ریز مصارف موقوفات تجار واقف بارفروش در دوره قاجاریه

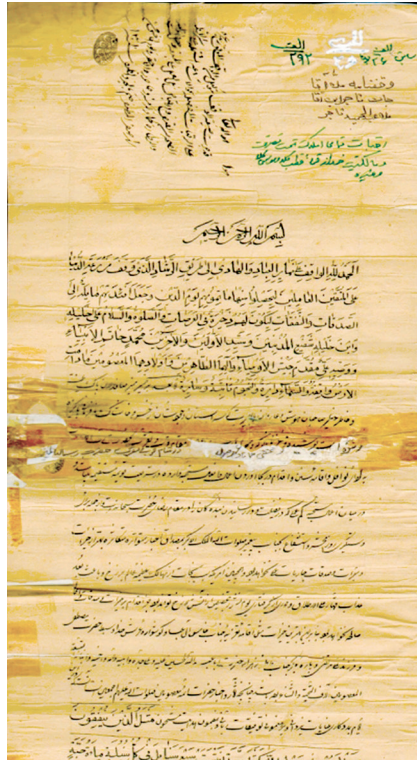


مصارف مراسم عزاداری

درصد چشمگیری از مصارف موقوفات طبقات مختلف اجتماعی ایران برای اقامه عزاداری ائمه اطهار (ع) و به ویژه امام حسین (ع) اختصاص یافته است که نشان دهنده جایگاه مراسم عزاداری در اندیشه مذهبی واقفان و اهتمام آنان برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره امام سوم شیعیان است. این امر در مصارف موقوفات تجار بارفروش هم نمود زیادی دارد، به طوری که آنان در ۲۹ مورد از ۳۰ وقف نامه مورد بررسی، وقف برای تعزیه و عزاداری سیدالشهدا (ع) یا سایر امامان شیعه انجام داده‌اند و در ۱۵ مورد از این وقف نامه‌ها، مصرف وقف تنها برای روضه خوانی و تعزیه امام حسین (ع) در ایام محرم و صفر و سایر ایام سال اختصاص یافته است. به عنوان مثال، حاجی آقا کوچک تاجر بارفروش «همگی و تمامی مساحت یک قطعه زمین توت باغ واقعه در محله کفشگر کلا من محلات بارفروش که بیست و هشت چل یا سی چل می باشد و محدود به حدود مفصله ذیل است شرقاً شارع عام مزرعه حیدرکلا غربیاً شارع عام جنوبیاً خیابان سلطان محمد طاهر شمالیاً خشکه زاری کلا» را برای «مصارف تعزیه داری ایام عاشورا» وقف نمود. یا محمد حسن تاجر شه میرزادی «یک خانه سه قسمتی در شه میرزاد، باغ به مساحت سه جریب و نیم و دو باب سراخانه سفال پوش متصل به هم در بارفروش» را برای «تعزیه جناب خامس آل عبا» وقف کرد.



تصویر ۲: وقف نامه حاج آقا کوچک بارفروش
(اداره اوقاف و امور خیریه پابل: ۶/ک)



تصویر ۳: وقف نامه ملا آقا جان تاجر بارفروش
(اداره اوقاف و امور خیریه پابل: ۶/الف)

تجار واقف بارفروش در تنظیم سند برخی موقوفه‌ها با نیت عزاداری، نحوه و ترتیب مصرف وقف در تعزیه‌داری و اقامه کلی هزینه‌ها را مشخص کرده‌اند. این نوع موقوفات پرداخت دستمزد روضه‌خوان‌ها و وعاظ، فراهم آوردن غذای مجانی، قهوه، چای، قند و قلیان برای جمعیت شرکت‌کننده در مراسم عزاداری را تضمین می‌کردند. وقف نامه حاجی حسن تاجر نمونه‌ای برای این ادعاست. او در این وقف نامه که در ذی حجه ۱۳۳۴ق تنظیم شده، آورده است که مخارج روضه‌خوانی شامل اطعام دادن و قند، چای، قلیان و اجرت روضه‌خوان است. (همان: ۱۳۳ح) در برخی وقف نامه‌های تاجر بارفروش، برگزاری عزای امام حسین (ع) تقریباً در نیمی از سال و حتی در تمام طول سال تضمین شده است.

به عنوان مثال، حاج سید حسن تاجر زرگر محله در وقف نامه رمضان ۱۳۰۳ق برگزاری اقامه عزای امام حسین (ع) در تمام سال را از متولیان درخواست می‌نماید: «به این تفصیل که تعزیه‌داری را در عشر اول محرم دارند اگر ممکن شود والا در عشر دوم والا در عشر سیم و هكذا متولی مأذون و مرخص است که تا آخر ماه صفر در هر عشری اقامه مجلس تعزیه نمایند از روضه‌خوانی و دادن چای و صرف کردت قند و اگر ممکن شود اضافه کنند نان خشک و احسان بفقراء سائلین و غیره ذالک از لوازم تعزیه‌داری است و از اضافه منافع یک شب از شب‌های عاشورا در تکیه زرگر محله اطعام نمایند و اگر منافع اضافه نماید در هر شب جمعه پنج مجموعه تا آخر ماه صفر اطعام نمایند و یک نفر هم روضه‌خوان بخواند و اگر منافع اضافه نماید هر ساله در ماه مبارک

رمضان هر شب پنج مجموعه افطار بدهند به نحو متعارف زمان و یک نفر روضه خوان بخواند و اگر منافع اضافه نماید در عرض تمام سال در شب‌های جمعه پنج مجموعه اطعام کند و یک نفر روضه بخواند این در صورت وفا و امکان است والا هر ماهی یک شب یا دو شب از جمعه باشد و اگر چنانچه رأی متولی ممکن نیست در تمام شب‌های جمعه سینه انجام بدهد». (همان: ۲۱۰/ح) در دوره قاجار، مانند دوره صفویه بیشترین نوع مصارف عواید موقوفات، مذهبی بود و به اجرای مراسم عزاداری بها داده می‌شد و بیش از ۷۰٪ وقف‌نامه‌ها برای عزاداری مذهبی به خصوص حضرت سیدالشهدا (ع) اختصاص می‌یافت و مردم عادی نیز برای مراسم مذهبی اهمیت بیشتری قائل بودند. (ریاحی سامانی، ۱۳۸۷: ۴۰۷)

امور خیریه و عام‌المنفعه

تجار واقف بارفروش در دوره قاجار، اموال و دارایی فراوانی را برای امور خیریه و عام‌المنفعه وقف کرده‌اند. امور خیریه شامل موارد مختلفی از جمله کمک به طلاب و مدرسان علوم دینی، فقرا و مساکین، اطعام یتیمان و نیازمندان، کفن و دفن افراد بی‌وارث و غریب، نایب‌الزیاره گرفتن در رفتن به اماکن متبرکه، کمک به فقرا از ارحام سادات، دادن نان و گوشت به فقرا و نیازمندان، عروسی فقرا و غیره می‌شد و امور عام‌المنفعه نیز شامل سوخت و روشنایی تکایا، تعمیر مساجد، تعمیر و سنگ‌فرش طرق و شوارع، انتقال آب به شهر، تعمیر پل، اجرت مؤذن، هزینه مکبر، مؤذن، خادم، حصیر، آب و نظافت مسجد می‌شد.

تجار واقف بارفروش در تمام وقف‌نامه‌های دارای مصرف امور خیریه و امور عام‌المنفعه به جزئیات مصارف محل مصرف موقوفه خود اشاره کرده‌اند. به عنوان نمونه، حاجی میرزا هدایت‌الله تاجر بارفروش مازندرانی در تنظیم وقف‌نامه‌اش به ریز موارد مربوط به امور خیریه اشاره کرده است: «به سادات و علما و فقراء بلد عوض گوشت نان پول داده شود مبلغ یک صد تومان - مخارج آب آوردن در شهر از شاه رود بجهت بستن به چاه‌ها از ده تومان الی صد تومان داده شود در دو طرف نهر آب بدهند، صرف خیرات از قبیل تعمیر مساجد مخروبه بلد یا به خارج عابری سبیل و یا تعمیر پل شکسته و یا صرف فرش شارع و کوچه‌های بارفروش که لازم باشد صرف نمایند». (همان: ۵/۴) سید نصرالله تاجر بارفروش نیز در وقف‌نامه مربوط به صفر ۱۳۲۵ ق جزئیات مربوط به مصارف خیریه و عام‌المنفعه را به وضوح مشخص کرده است: «زیاده را در مصارف خیر من جمله عایدی سبیل و فقرا و ایام و مساکین و اگر شخصی فقیر فوت کند مخارج کفن و دفن او در هر جهتی که خیرات مصرف بدانند من جمله نایب‌الزیاره گرفتن در رفتن به اماکن مشرفه و مخارج عروسی فقرا و ضعفا به قدر وسع ولکن بقدری که مذکور شد و می‌شود بدهند من جمله مخارج تکایا در دهه عاشورا بقدری که خود حاجی می‌داد بدهند و هر تکیه که اهل ایشان فقیر و کم‌بضاعت باشند مراعات آن تکیه را زیاد و بهتر نمایند ضروریات آن از قبیل نفط و شمع و غیره بدهند». (همان: ۱۷/ن)

درواقع، تجار واقف بارفروش، با هدف رفع معضلات اجتماعی موجود در جامعه بارفروش دوره قاجار، مصادیق مربوط به این مشکلات را به عنوان مصارف موقوفاتشان در نظر گرفته‌اند و از این طریق در راستای کاستن یا حل

بعضی از معضلات زندگی عامه مردم قدم برداشته‌اند. به عنوان نمونه، محمدعلی تاجر باهدف رفع مشکل فقر و محرومیت در بین طبقه طلاب و علمای سادات و مشکل کمبود سوخت و روشنایی تکایای بارفروش بخشی از مصارف موقوفه‌اش را برای کمک به طلاب و علمای سادات و تأمین سوخت و روشنایی تکایای بارفروش اختصاص داده است: «کمک به فقرا و طلاب و علما و سادات و یک نفر روضه‌خوان و سوخت و روشنایی تکایا». (همان: ۱۷/م)

امور طلاب و مدارس علوم دینی

در دوره قاجار، مدرسه‌سازی و مسجدسازی از رونق فراوانی برخوردار بود. اروپاییان حضور یافته در ایران از املاک فراوان وقفی برای مساجد و مدارس گزارش‌هایی را ارائه داده‌اند، از جمله هانری رنه آلمانی که در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه از ایران دیدن کرده است، می‌نویسد: «اراضی موقوفه زیاد است و اتصالاً شماره آن‌ها رو به فزونی می‌رود، زیرا که اشخاص مؤمن ثروتمند، همواره املاکی را وقف مساجد و مدارس و بقاع متبرکه می‌نمایند». (دالمانی، ۱۳۳۵: ۷۲) در این دوره، مراکز آموزشی - مذهبی یا مدارس - مساجد در کنار هم ساخته می‌شدند و موقوفاتی برای تأمین مالی این اماکن در نظر گرفته می‌شد. این شیوه ساخت بناهای مذهبی - آموزشی و تعیین منابع مالی آن در قالب موقوفات، در سراسر ایران دوره قاجاریه رواج فراوان داشت و در بارفروش دوره قاجار نیز، مساجد - مدارس متعددی بنا شد و موقوفاتی برای آن تعیین گردید.

مصارف مرتبط با تعمیر و نگهداری مساجد و مدارس دینی، نشان‌دهنده توجه ویژه تجار به تأسیس و فعالیت مساجد به عنوان پایگاه اصلی فعالیت‌های مذهبی و نیز حفظ و رونق اماکن آموزش علوم دینی در این شهر است. حاجی سید حسین تاجر بارفروش، یکی از واقفانی است که برای توسعه و ترویج علوم اسلامی، موقوفات زیادی را در نظر گرفته است. او تنها تاجر واقف بارفروشی دوره قاجار است که برای حفظ این سنت تلاش نمود و مسجد - مدرسه‌ای را بنا نهاد و نیز موقوفاتی را برای تأمین هزینه‌های این بنای مذهبی - آموزشی در نظر گرفت: «محوطه مسجد جدید البنا واقعه در جنب شمالی قبرستان محله زرگر محله و مدرسه واقعه در محوطه مسجد با تمام ملحقات و منضمات آن از ممر و مدخل و خیطان و جدران و صحن و چاه و حوض آنچه را که از متعلقات مسجد و مدرسه محسوب می‌شود» را ساخت و وقف «کافه طلاب و محصلین از طائفه اثنی عشریه که از اهل سداد و تقوی و ورع باشند که در حجرات آن مشغول به تحصیل علوم دینی و تفهیم و تفهم و تعلیم و تعلم احکام شرعیه نمایند و موقوف علیهم مطلق طلاب اثنی عشریه که محصل باشند و اهل سداد و تقوی و صاحب ورع باشند و کسانی که باعث تعطیل حجرات و فکر تحصیل نیستند و یا از اشرار و اهل فسادند هرچند که محصل محسوب شوند، خارجند، [...] و منافع املاک موقوفه باید دو نصف شود علی‌التسویه نصف اول را بین طلاب و محصلین سکنه مدرسه مراتب و درجات علمیه تقسیم نمایند و در باب تمیز درجات طلاب سکنه مدرسه منوط است به نظر متولی و نصف دیگر مبلغ چهل تومان حق مدرس مدرسه است که مدرس باید شخصی متدین با صلاح که لااقل از عهده سطوح فقه و اصول از شرح و قوانین برآید به‌طور متعارف و مازاد آن را بیفزایند». (همان: ۵۹/م)

نتیجه

یکی از منابع ارزنده برای بررسی نقش تجار دوره قاجار در ترویج امور مذهبی، خیریه و عام‌المنفعه، اسناد برجای مانده از موقوفات تجار این دوره است. این اسناد گذشته از تعداد و کارکردهای مختلف محتوایی آن، مبین نقش تجار در امور مذهبی، خیریه و عام‌المنفعه است. از حیث تاریخ اقتصادی، این وقف‌نامه‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد بارفروش دوره قاجار مبنی بر فعالیت تجاری و کشاورزی بود. با این حال، با توجه به تعداد اسناد وقفی و پراکندگی آن‌ها از حیث زمان نگارش، ترسیم یک تصویر جامع و دقیق از وضعیت اقتصادی ناکافی است. بر اساس پراکندگی زمانی اسناد، به نظر می‌رسد از دهه‌های نخست دوره قاجار، وقف‌نامه‌های اندکی از تجار بارفروش وجود دارد و بیشتر وقف‌نامه‌ها، مربوط به دوره ناصری و شاهان بعدی قاجار است. با این حال، بررسی مندرجات اسناد باقی مانده و استخراج داده‌های اندک، اما ارزنده آن، کمک مؤثری به تدوین زوایایی از تاریخ اجتماعی و اقتصادی خاصه در ایالت‌های آن زمان می‌نماید.

بررسی محتوای اسناد موقوفات نشان می‌دهد که اکثر املاک وقف شده توسط تجار بارفروش، شامل انواع زمین، دکان، خانه و کاروان سرا بوده است. مصارف و کاربرد عمده موقوفات تجار بارفروش نیز، شامل عزاداری ائمه اطهار (ع) خاصه امام حسین (ع) و مصارف خیرخواهانه و عام‌المنفعه همچون کمک به طلاب و مدرسان علوم دینی، فقرا و مساکین، اطعام یتیمان و نیازمندان، کفن و دفن افراد بی‌وارث و غریب، نایب‌الزیاره گرفتن در رفتن به اماکن متبرکه، کمک به فقرا از ارحام سادات، دادن نان و گوشت به فقرا و نیازمندان، عروسی فقرا، سوخت و روشنایی تکایا، تعمیر مساجد، تعمیر و سنگ‌فرش طرق و شوارع، انتقال آب به شهر، تعمیر پل، اجرت مؤذن، هزینه مکبر، مؤذن، خادم، حصیر، آب و نظافت مسجد است. نوع و درصد مصارف موقوفات تجار بارفروش، مبین جایگاه بالای مذهب در زندگی تجار دوره قاجار است.

با وجود دشواری قضاوت پیرامون انگیزه‌های واقعی واقفان، همچنین می‌توان مواردی چون انگیزه کسب ثواب آخری، کسب اعتبار دنیوی، حفظ املاک از تعرض احتمالی حکومت، جلوگیری از تجزیه و فروش املاک و نیز پیشگیری از بروز اختلاف بین اولاد را مدنظر قرار داد. همچنین، مندرجات اسناد موقوفات تجار بارفروش با ارائه اطلاعات قابل توجه پیرامون جایگاه اراضی کشاورزی و اماکن تجاری در زندگی اقتصادی مردم، نام و بافت بازارها، فراوانی و نوع مشاغل، موقعیت مکانی و اهمیت اقتصادی کاروان‌سراها، واحدهای اندازه‌گیری زمین، ویژگی خانه‌ها و مصالح به‌کاررفته در آن‌ها، برخی لوازم زندگی مورد استفاده مردم آن دوره، چگونگی پذیرایی از مردم در مراسم عزاداری، موقعیت برخی گروه‌ها و اقشار اجتماعی، نام روستاها و محله‌ها و گذرهای قدیمی شهرها، اسامی و موقعیت مکانی برخی تکایا، مساجد و حسینیه‌ها، می‌تواند کمک ارزنده‌ای به بازنمایی و بازسازی اجتماعی و اقتصادی بارفروش دوره قاجار، از حیث ارائه داده برای تدوین تاریخ اقتصادی و اجتماعی این شهر نماید.

- آدمیت، فریدون. (۱۳۸۵). اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار. تهران: خوارزمی.
- اجاللی، فرزاد. (۱۳۷۳). بنیان حکومت قاجار نظام سیاسی ایلی و دیوان سالاری مدرن. تهران: نشر نی.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران. تهران: زمینه.
- برزگر، اردشیر. (۱۳۸۰). تاریخ طبرستان. ج ۲. تهران: رسانش.
- بنوعزیزی، علی، و احمد اشرف. (۱۳۸۷). طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی. تهران: نیلوفر.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک. ترجمه کیکاوس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- خورموجی، محمدجعفر. (۱۳۶۳). حقایق الاخبار ناصری. تهران: نشر نی.
- دالمانی، هانری. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ترجمه فره‌وشی. تهران: امیرکبیر.
- دوسرسی، کنت. (۱۳۶۲). ایران در ۱۸۴۰-۱۸۳۹ م. ترجمه احسان اشراقی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دوگوبینو کنت. (۱۳۶۰). سه سال در ایران. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. تهران: فرخی.
- رضایی، امید. (۱۳۹۰). درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجاریه. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ریاحی سامانی، نادر. (۱۳۷۸). وقف و سیر تحولات قانون‌گذاری در موقوفات. شیراز: نوید.
- فریزر، جیمز بیلی. (۱۳۶۴). سفرنامه (معروف به سفر زمستانی). ترجمه منوچهر امیری. تهران: توس.
- فلاندن، اوژن. (۱۳۲۴). سفرنامه اوژن فلاندن به ایران. ترجمه حسین نورصادقی. اصفهان: اشراقی.
- فلور، ویلم. (۱۳۶۵). جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار. ترجمه ابو القاسم سری. تهران: توس.
- لمبتون، آن. ک. س. (۱۳۸۸). «وقف در ایران». ترجمه احمد نوایی. مشکوه. (شماره ۱۰۲)، ۷۷-۹۵.
- مرعشی، سید ظهیرالدین. (۱۳۶۱). تاریخ طبرستان، روایان و مازندران. به‌کوشش محمد حسین تسبیحی. تهران: شرق.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۷۱). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. ج ۱. تهران: زوار.
- ملکم، سرجان. (بی‌تا). تاریخ ایران. ج ۲. تهران: سعدی.
- Kazembeyki, M. A. (2003). Society, Politics and Economics in Māzandarān, Iran, 1848-1914. London: Routedledge Curzon.

اسناد

اداره اوقاف و امور خیریه بابل

۶/ک، ۸۷/ع، ۸۱۲/م، ۳۳۰/الف، ۱۳۳/ح، ۷۵/ح، ۵۹/م، ۲۱۰/ح، ۱۹/م، ۱۷/ن، ۱۹/ن، ۹/غ، ۹۵/م، ۳۵/م، ۶۴۸/م، ۸۲۷/م، ۲۹/ع، ۱۵۶/م، ۱۰۸/م، ۴/ه، ۲۴۴/الف، ۶۶/الف، ۳۹۳/م، ۳۳/م، ۱۷/م، ۱۰۰/م، ۹۳/م، ۲۶/الف، ۲۴۴/الف، ۴/ص.